



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

اخترشناسی (ستاره شناسی) در ایران باستان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۹ خرداد ۱۳۹۶ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

درباره سطح دانش نجوم در ایران باستان چندان اطلاعی در دسترس نیست. در ایران پیش از ورود آریایی ها، نقوش باقی مانده روی سفالینه های دوران پیش از تاریخ ایران توجه مردم این سرزمین را به ستاره ها به خوبی نشان می دهد. در بسیاری از تپه های باستانی ایران، نشانه هایی از دانش اخترشناسی ایرانیان پیش از هزاره یکم قبل از میلاد به دست آمده است. نشانه های نجومی در تپه های تاریخی ایران (مانند تپه گیان نهاوند، تپه حصار دامغان و ...) را می توان بر روی برخی تکه سفالینه ها و تراشه های ابزار های سنگی به دست آمده از آنه



درباره سطح دانش نجوم درایران باستان چندان اطلاعی در دسترس نیست. در ایران پیش از ورود آریایی ها، نقوش باقی مانده روی سفالینه های دوران پیش از تاریخ ایران توجه مردم این سرزمین را به ستاره ها به خوبی نشان می دهد.

در بسیاری از تپه های باستانی ایران، نشانه هایی از دانش اخترشناسی ایرانیان پیش از هزاره یکم قبل از میلاد به دست آمده است. نشانه های نجومی در تپه های تاریخی ایران (مانند تپه گیان نهاوند، تپه حصار دامغان و ...) را می توان بر روی تکه سفالینه ها و تراشه های ابزار های سنگی به دست آمده از آنها مشاهده کرد. اما چندان که باید در این باره پژوهش جدی انجام نگرفته است. در اوستا، به ویژه در یشت ها، اطلاعات بسیاری ارائه شده که نشان می دهد ستاره شناسان آریایی با ستاره ها و طلوع و غروب آنها آشنا بوده اند. سال نو در ایران باستان با گذر خورشید از نقطه اعتدال بهاری آغاز می شد.

به احتمال، آریایی ها با صورت های فلکی، شاید نه دقیقاً به شکلی بابلی آن، آشنایی داشته اند. تقویم دوره هخامنشی، مانند تقویم بابلی و عیلامی دوازده بخش با تفاوت نام ماه ها، داشته است.

برخی پژوهشگران نقش معروف شیر به گاو در تخت جمشید را که بر دیواره بیرونی کاخ آپادانا دیده می شود، نقش نجومی می دانند. در دوره حکومت هخامنشیان بر بابل به احتمال، مغان دانش ستاره شناسی آریایی را به بابل منتقل کردند و در این مدت دانش ستاره شناسی بابلی و آریایی با هم پیوند داشته و رو به کمال نهاده است. در این دوره در بابل تقسیم دایره البروج به دوازده برج ۳۰ درجه ای صورت گرفته است.

هم چنین حرکت های ماه، خورشید و سیارات به دقت بررسی شدند. برای مثال در زمان حکومت کمبوجیه در بابل رصد دقیق ماه و سیارات آغاز شد. رصد سیاره مشتری که در این زمان آغاز شده بود در هنگام پادشاهی داریوش بزرگ نیز ادامه یافت و حاصل آن تدوین نظریه حرکت سیاره مشتری بود، هم چنین روش کسبیه گیری برای ایجاد نظم در تقویم قمری در این دوره ایجاد شد. در این دوره، سیارات را هم هویت با ایزدان می دانستند و نام های ایزدان را بر آنها می گذاشتند. جالب آن که نام پهلوی سیاره زحل یعنی کیوان از نام بابلی کیمانو گرفته شده است که این از

پیوند ایزدان، یا شاید اخترشناسی بابلی و ایرانی، حکایت دارد. از متون نجومی دوره هخامنشی و دوره های بعدی چیزی باقی نمانده است. برخی احتمال می دهند که بسیاری از این متون در حمله اعراب به ایران از بین رفتند.

در اواخر دوره ساسانی زیجی به نام شهریار یا شاه در ایران تالیف شده بود. این زیج را علی بن زیاد تمیمی در حوالی سال ۱۷۰ قمری از یک متن اصلی پهلوی به نام زیک شترایار به عربی ترجمه کرد و تاثیر زیادی بر نجوم دوره اسلامی داشت. جالب آن که در این زیج مبدا شبانه روز را از نیمه شب محاسبه می کردند.

واژه زیج از فارسی به عربی وارد شده است. ریشه این کلمه در فارسی زیج به معنی تار یا رشته، به ویژه زه کمان است. بعدها این معنی تعمیم یافته و برای مجموعه رشته های موازی که تارهای نزدیک به هم در یک جدول نجومی و مجموعه تارهایی که در بافندگی کشیده می شود، این واژه برای مجموعه جدول های نجومی دوره اسلامی نیز به کار رفته است. این جدول ها همراه با توضیحات نجومی و روش های محاسباتی بعدها از مهم ترین کتاب های پایه در نجوم دوره اسلامی به حساب می آمدند.

برگرفته از کتاب تاریخ نجوم در ایران

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «اخترشناسی (ستاره شناسی) در ایران باستان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1126/pdf/اخترشناسی-در-ایران-باستان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵